



به نام خدای بهار
خدای گل و سبزه زار

تصویرگر: حدیثه قربان

بهار از راه رسیده و با خودش نوروز باشکوه را آورده. نوروز امسال سوار بر اسبی زیبا
پیش ما آمده.

بهارت مبارک! نوروزت مبارک!

چه عطری دارد باران! چه بوی خوشی در هوا پخش می کنند سبزه ها! چقدر شکوفه‌ی
قشنگ روی درخت‌هاست!

تو هم می شنوی؟ پرنده‌ها دارند با صدای بلند قشنگ‌ترین آوازهایشان را می خوانند،
چون می خواهند درخت‌ها و حیوان‌ها را از خواب زمستانی بیدار کنند.

ما سوار بر زمین یک دور دیگر دور خورشید گشتیم؛ من و تو و همه‌ی همه‌ی همه‌ی
آدم‌ها و هر چیزی روی زمین است. درست لحظه‌ی تحویل سال به یک خورشید تازه
می رسیم، همان موقع که آرام سر سفره‌ی هفت‌سین می نشینیم و دعا می کنیم. از خدا
می خواهیم به ما کمک کند، این بار که دور خورشید می گردیم، آدم‌های خوبی باشیم،
خوش حال باشیم و راهمان روشن باشد.

تو امسال کجاها می روی برای دیدوبازدید؟ چه عیدی‌هایی می گیری؟ با کدام بچه‌ها
بیشتر بازی می کنی؟

هرجا رفتی، رشد کودک را هم با خودت ببر، حتی توی سیزده‌به‌در. چون یک‌عالمه
قصه و شعر و بازی با خودش آورده که کنار کوچک و بزرگ گل بگویی و گل بشنوی و
بازی کنی و حسابی بهت خوش بگذرد.

نوروزت مبارک!

